

**نقش خانواده مسیحی در تأمین نیازهای کلیسا  
به خدمتگزاران روحانی**

خدا است که انسان را زن و مرد آفرید و آنها را به زندگی مشترک دعوت نمود تا خانواده را تشکیل دهند (پیدایش باب ۱ آیه ۲۷-۳۸) بر طبق (انجیل یوحنا باب ۲ آیه ۱-۱۱) می خوانیم که خداوندمان عیسی مسیح اولین نشانه های قدرت الهی اش را در یک جشن عروسی ظاهر کرد یعنی آنجائیکه خانواده شکل می گیرد و نمو می کند. کلیسای مقدس خانواده را بعنوان کانون محبت که سرچشمه اش خدا می باشد معرفی می کند، پولس رسول با سخنانی بسیار زیبا و شیوا راز و رسالت خانواده مسیحی را برای ما تشریح می نماید، ایشان در رساله به افسسیان می فرماید: «بنابراین، من در برابر پدری زانو می زنم که هر خانواده در آسمان و زمین نام خود را از او گرفته است و دعا می کنم که از گنجهای جلال خود به شما ببخشد تا به وسیله روح او در درون خود قوی و نیرومند شوید، و خدا عطا فرماید که مسیح از راه ایمان شما در قلبهایتان ساکن شود و دعا می کنم که شما در محبت ریشه دوانیده و بر پایه محبت بنا شوید تا با همه مقدسین قدرت داشته باشید به پهنا و درازا و بلندی و عمق محبت مسیح پی ببرید و آن محبت را دریابید اگر چه بالاتر از فهم بشر است تا از پُری کامل خدا پُر شوید» (باب ۳ آیه ۱۴-۱۹).

بر طبق آیات فوق که بینش پولس را منعکس می کنند می شود گفت که: خانواده مسیحی مظهر

دوستان گرامی :  
در ادامه بحثمان در رابطه با زندگی روحانی و کهناتی، می خواهیم توجه خانواده های عزیز را بدین امر مهم و مقدس جلب نمایم. بدون اغراق می شود



گفت که خانواده یکی از مهمترین ارکان زندگی اجتماعی و کلیسایی می باشد. در درون خانواده است که شخصیت هر انسان شکل می گیرد و شکوفا می شود، همچنین در بطن خانواده است که هر عضوی از اعضای آن رشد جسمانی، روانی و معنوی را پیدا می کند و جهت پذیرفتن مسئولیت آماده می شود. خانواده سالم افراد سالم را به جامعه و کلیسا تقدیم می کند در حالیکه خانواده غیر سالم افراد ناشایست و ناباب تقدیم می نماید. متأسفانه وضع خانواده امروز در بعضی کشورها بسیار متزلزل و رقت بار است آنها هم بعلت طلاق، تعدد زوجات، عشق آزاد که تنها انگیزه اش خودخواهی و لذت جوئی می باشد، و همچنین قوانینی که سقط جنین و جلوگیری از حاملگی را مجاز می دانند. برای ما مسیحیان نهاد خانواده بسیار مقدس و از یک منزلت بالا برخوردار است چون منشأش خود

حضور خدا است که از راه ایمان و محبت تجلی می یابد.

یوحنا ی رسول نیز در رساله اولش می گوید: «هیچ کس هرگز خدا را ندیده است، اما اگر ما یکدیگر را دوست بداریم، خدا در ما زندگی می کند و محبت او در ما به کمال می رسد» (باب ۴ آیه ۱۲). بنابراین جمیع اعضای خانواده مسیحی باید در اتحاد باهم سعی نمایند تا فیض محبت خدا را در درون خود پذیرفته و آنرا پرورش دهند، مخصوصاً والدین که اولین مربیان مسیحی فرزندانشان هستند موظف اند تا اینکه به فرزندان خود پیام محبت بخش انجیل را انتقال داده تا از بدو زندگی ایشان با عیسای مسیح آشنا شده و آماده پاسخ دادن به ندای او باشند. هنگامیکه والدین از مسئولیت پدری و مادری ایشان آگاه باشند با علاقه ای بیشتر و

تصمیمی راسختر نسبت به پرورش ایمان فرزندانشان و آشنا کردن آنها با ارزشهای مسیحی و آموزه های کلیسای مقدس عمل خواهند کرد، در غیر اینصورت خطر انحراف آنها خیلی زیاد می باشد. علاوه بر این والدین مسیحی باید فرزندانشان را طوری تربیت کنند که اگر روزی خدا آنها را جهت خدمت به کلیسا بعنوان کشیش دعوت کند با کمال میل و خوشحال دعوت او را بپذیرند، از این طریق است که خانواده مسیحی نقش خود را در احیای رسالت و مأموریت کلیسا ایفا کرده و از کاهش بیشتر خدمتگزاران روحانی جلوگیری می نماید. خانواده های عزیز: خوشبحال شما اگر از محبتی که خدا برای شما دارد و از ارزشی که برای شما قائل است آگاه باشید. ما مسیحیان به خدائی ایمان داریم که در درون او سه تا شخص در اتحاد و محبت کامل بسر می برند که بنام پدر و پسر و روح القدس می شناسیم، یعنی زندگی خدای ما یک زندگی مشترک است شبیه زندگی شما که یک خانواده تشکیل می دهید اما در درونش چند شخص با هم زندگی می کنند، خدا را برای فیض راز ازدواج

مقدس که پایه خانواده است شکر و سپاس گوئید، ازدواجی که مظهر مسیح داماد و کلیسا عروس می باشد، همچنین برای فیض فرزندان که زیباترین و ارزشمندترین عطیه او است او را ستایش کنید اما بدانید که فرزندان شما از روزیکه تعمید یافته و مسیحی شده اند بعنوان امانت خدا نزد شما هستند، مالک اصلی آنها اوست که سرچشمه زندگی و بخشنده آن می باشد، بنابراین باید آنها را به نحوی تربیت کنید که تدریجاً بتوانند راز او را کشف کنند، عاشق او باشند و بر طبق خواسته او عمل کنند. سعادت مند است آن خانواده ای که یکی از فرزندانش را به مسیح و کلیسای او تقدیم نماید، پاداش او نزد خدا بسیار بزرگ می باشد.

## دعا

ای خانواده مقدس، خانواده بیت اللحم و ناصره، که اعضای عیسی، مریم و یوسف هستند، برای خانواده های ما دعا کنید تا اینکه روز به روز از رازیکه در آنها نهفته است و از رسالتی که به آنها محول گردید آگاهی عمیق همراه با احساس مسئولیت داشته باشند. آتش محبت دائماً در درون آنها فروزان بوده و هرگز خاموش نشود. بر طبق ارزشهای انجیل مقدس زندگی کنند و شاهدان شایسته مسیح باشند. در برابر مشکلات و سختیها ناامید نشوند بلکه از راه دعا و توکل به فیض خدا و قدرت گرفتن از کلام او بر آنها فایق آیند. نسبت به فقرا و نیازمندان مهربان و عطوف باشند.

آمین

خدمتگزار شما

+ رمزی گرمو

اسقف اعظم کلیسای آشوری - کلدانی کاتولیک تهران

## قبل از حرکت به یک سفر طولانی ...

آموخت که تنها با تسلیم نشدن می‌توان به شکوفایی شخصیت و برآوردن آرزوها رسید.

قبل از اینکه تصمیم به صادق نبودن بگیری یادت باشه که فقط خودت به خودت خیانت می‌کنی؛ یک خصیصه مهمی که باید در توبرهات داشته باشی، صداقت است. صداقت باید مشخصه و اساس رابطه ما با دیگران باشد. صادق نبودن عیبی است که نهایتاً خار آن به چشم خودمان فرو می‌رود. چون دیر یا زود حقیقت خود را نشان خواهد داد! امروز براستی نیازمند صفا و شفافیت در روابط اجتماعمان هستیم، اجتماعی که معمولاً ما را به تظاهر و ترس و میدارد. صادق بودن یعنی پس زدن نقابهایی که خودمان را پشت آنها پنهان می‌کنیم. صادق بودن یعنی پس زدن بی‌اعتمادی و پیش قضاوت‌هایی که نسبت به دیگران داریم. چون آنها را به چشم یک دشمن می‌بینیم و نه یک هدیه از سوی خدا.

قبل از حرکت به یک سفر طولانی

قبل از حرکت به یک سفر طولانی باید میل به

پرنگشتن را با خود داشته باشی.

قبل از اینکه تصمیم به صادق نبودن بگیری یادت

باشه که فقط خودت به خودت خیانت می‌کنی

قبل از اینکه مخالفتت را نشان دهی سعی کن بیشتر

گوش بدهی

قبل از اینکه بخواهی تنهایی‌ات را پر کنی سعی کن

بینی که آیا خودت با خودت راحتی.

قبل از اینکه چیزی برداری سعی کن بینی که خودت

چه می‌دهی

آسان نیست ولی اصل همه چیز همین جاست

قبل از حرکت به یک سفر طولانی با خود میل به

انطباق یافتن بپر.



قبل از حرکت به یک سفر طولانی؛ یک سفر طولانی

ممکن است کنایه از راه زندگی هر یک از ما باشد، که به مثابه یک سفر طولانی است. باید خوب مجهز بود. یعنی برای اینکه بتوانیم خوب زندگی کنیم باید از خصایصی درونی برخوردار شد تا زندگیمان تباه نشود.

قبل از حرکت به یک سفر طولانی باید میل به

پرنگشتن را با خود داشته باشی؛ گاهی بر جاده زندگی

وسوسه بازگشت به عقب داریم. این می‌تواند به دلایل مختلف

رخ دهد. تردید از اینکه همه چیز را اشتباه کرده باشیم؛ یا ترس

از انتخاب در مراحل مهم زندگی؛ یا بی‌مسئولیتی و سطحی

زندگی کردن...

کسی که به عقب بر می‌گردد شخصی است که از حقیقت فرار

می‌کند و جرأت روبرو شدن با فراز و نشیبهای زندگی را ندارد...

او نمی‌داند که مشکلات در زندگی فرصتی برای به جلو رفتن

هستند. اگر می‌خواهی در زندگی پیشرفت کنی باید یاد بگیری

که با شهامت و اطمینان جلو بروی و زندگی به تو خواهد

قبل از اینکه مخالفتت را نشان دهی سعی کن بیشتر

گوش بدهی؛ خصیصه مهم دیگر گوش دادن است. گاهی

اوقات نسبت به موضعی که گرفته‌ایم، بشدت بر نظرمان

پافشاری می‌کنیم، بدون آنکه به دیگری اجازه و مهلت ابراز

افکار و عقایدش را بدهیم. همیشه افراد را بر حسب

گذشته‌یشان، طبقه اجتماعی و یا اعتقادشان کلاسه‌بندی

می‌کنیم و مطمئن هستیم که خوب می‌شناسمشان!!!

حتی عیسی مسیح خود را قربانی این پیش قضاوتی می‌دید: «آیا

این پسر نجار نمی‌باشد و آیا مادرش مریم نامی نیست و

برادرانش یعقوب و یوسف و شمعون و یهوذا... پس این همه را

از کجا بهم رسانید. و درباره او لغزش خوردند. عیسی بدیشان

گفت نبی بی‌حرمت نباشد مگر در وطن و خانه خویش. و به

سبب بی‌ایمانی ایشان معجزه بسیار در آنجا ظاهر ساخت.»

(متی ۱۳: ۵۳ - ۵۸).

به این ترتیب یک گفتگو می‌تواند تبدیل به یک خودگویی و

خودشنوایی گردد. حالتی که در آن انسان فقط جبهه‌گیری دارد

و حمله می‌کند و پس می‌زند. اگر بجای پیش قضاوتی و

دشمنی یاد بگیریم که بیشتر گوش دهیم، دیدگاه ما هم با

تجربه دیگران غنی تر می گردد و با هم می توانیم به حقیقت برسیم.

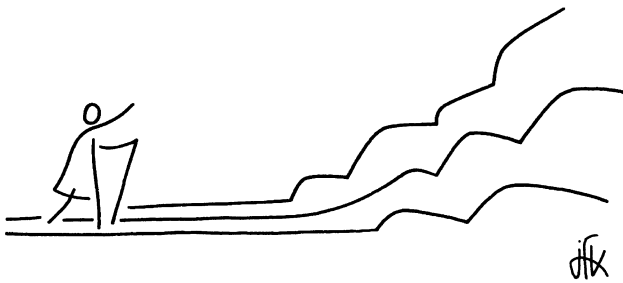
قبل از اینکه بخواهی تنهاییات را پر کنی سعی کن بینی که آیا خودت با خودت راحتی؛ بدترین تنهایی که می توانیم تجربه کنیم تنهایی درون است. تنهایی درون یعنی با خود راحت نبودن و با خود همیشه معذب بودن. بیشتر مسائل هر یک از ما حاصل قبول نداشتن خودمان است: گذشته ایمان، ضعفها، محدودیتها، جسممان... بنابراین دائم با خود سر جنگ داریم و فرار از آن وقتمان را با دیگران پر می کنیم. غافل از اینکه برای راحت بودن با دیگران باید اول با خویشتن راحت باشیم. با زندگی آشتی کنیم و ضعفهایمان را بپذیریم و در کنار آن از خصایص زیبا و غنای وجودمان مطلع گردیم. از خودمان مواظبت کنیم و از درون زندگی کنیم، یعنی برای خودمان وقت داشته باشیم. فقط به این نحو بودن با دیگران برای ما کمکی برای رشد و شکوفایی شخصیت خواهد بود.

قبل از اینکه چیزی برداری سعی کن بینی که خودت چه می دهی؛ همه به زندگی بدهکاریم. اما از طفولیت گرفتن را می آموزیم، حتی عادت می کنیم که بقاییم. اما بالاخره زمانی می رسد که باید از خودمان بدهیم. چون نمی توانیم در زندگی به انگل بودن ادامه دهیم. جهان هزاره سوم نیاز به ابتکار و شادی، نیروی جسمانی و ذهنی و روحانی ما دارد تا پیشرفت نماید و این پیشرفت برای سعادت همگان باشد. ما نسبت به هم بدهکاریم! یعنی باید از "گرفتن" به "دادن" رسید. تجربه آموخته است که در زمان دادن بیشتر یافته ایم. هر عمل نیکویی که انجام دهیم بنحوی به نفع خودمان بر می گردد، حتی اگر در ظاهر عکس آن باشد.

آسان نیست ولی اصل همه چیز همین جاست؛ اینطور زندگی کردن آسان نیست، اما امکان پذیر است. کافی است که این اطمینان را داشته باشیم. شهادت به جلو نگرستن، صداقت داشتن، گوش دادن (به خود، به دیگران، به خدا)، مراقبت از خود و بالاخره از خود دادن، همه اینها خصایصی هستند که نمی توان نادیده گرفت. در یافتن اینها و نهادشان در توبره شک نکنید! چون ما را در این سفر طولانی و دراز زندگی همراهی خواهند کرد تا زندگیمان به بطالت نگذرد. اگر دوست داری بیشتر فکر کنی:

زندگی را چطور می بینی؟ یک سفر اجباری، یک بار سنگین، یک کسالت، فرصتی برای شکفتن و پیشرفت کردن، تحقق یک نقشه، زمانی برای کشف دائم. در مقابل مشکلات چه رفتاری داری: ترس، تسلیم، جرأت، اطمینان، فرار...

صداقت چقدر برای تو مهم است: آیا می توانی بدون پیش قضاوتی به دیگران گوش دهی؟ آیا نسبت به خودت یک تصویر درست داری؟ آیا آنطور که هستی خودت را قبول داری؟ آیا همیشه توقع دریافت داری یا می توانی چیزی هم از خودت بدهی؟



dfk

شکیبایی و صبر بهره فراوان دارد و عدم آن مانع رسیدن به قدرت و تمرکز حواس و پیروزی است.

اگر انسان قدرت پیروز شدن بر نفس خویش را داشته باشد قدرت انجام کارهای بزرگ را نیز دارد.

عمل هر فردی نمایانگر اندیشه اوست ،

خوش بینی و ایمان داشتن به هدف ما را به موفقیت راهنمایی می کند. (استاد لی)

## درخت گلابی

مردی چهار پسر داشت. آنها را به ترتیب به سراغ درخت گلابی ای فرستاد که در فاصله ای دور از خانه شان روئیده بود:

پسر اول در زمستان ، دومی در بهار ، سومی در تابستان ، و پسر چهارم در پاییز به کنار درخت رفتند. سپس پدر همه را فراخواند و از آنها خواست که بر اساس آنچه دیده بودند درخت را توصیف کنند. پسر اول گفت: درخت زشتی بود ، خمیده و در هم پیچیده.

پسر دوم گفت: نه ... درختی پوشیده از جوانه بود و پر از امید شکفتن.

پسر سوم گفت: نه ... درختی بود

سرشار از شکوفه های زیبا و

عطر آگین ... و با شکوهترین

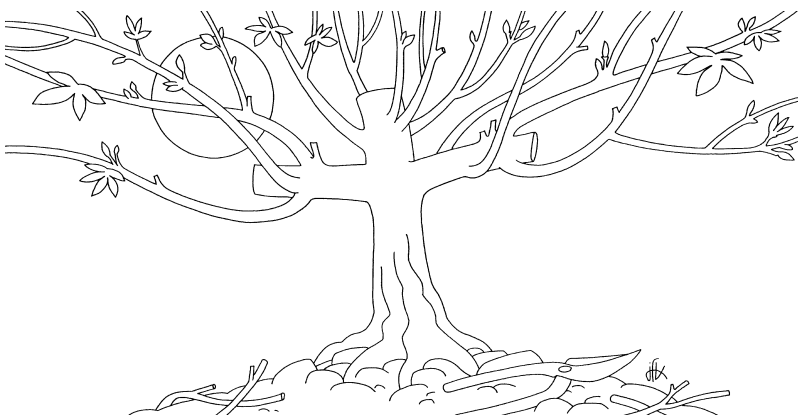
صحنه ای بود که تا به امروز

دیده ام.

پسر چهارم گفت: نه !!! درخت

بالغی بود پر بار از میوه ها ... پر از

زندگی و زایش!



مرد لبخندی زد و گفت: همه شما درست گفتید ، اما هر یک از شما فقط یک فصل از زندگی درخت را

دیده اید! شما نمی توانید درباره یک درخت یا یک انسان براساس یک فصل قضاوت کنید: همه حاصل

آنچه هستند و لذت ، شوق و عشقی که از زندگیشان برمی آید فقط در انتها نمایان می شود ، وقتی همه

فصلها آمده و رفته باشند!

اگر در "زمستان" تسلیم شوید ، امید شکوفایی "بهار" ، زیبایی "تابستان" و باروری "پاییز" را از کف

داده اید!

مبادا بگذاری درد و رنج یک فصل ، زیبایی و شادی تمام فصلهای دیگر را نابود کند!

زندگی را فقط با فصلهای دشوارش نبین؛

در راههای سخت پایداری کن: لحظه های بهتر بالاخره از راه می رسند!

همیشه همینطوری نمیمونه که.

« چرا پر گاهی را که در چشم برادرت هست می بینی

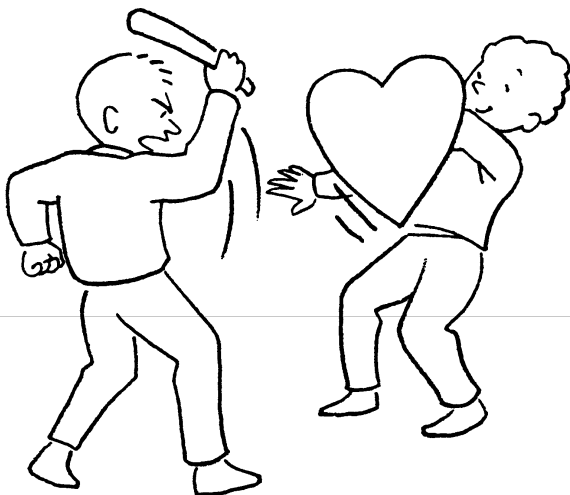
ولی در فکر چوب بزرگی

که در چشم خود داری نیستی؟ » (انجیل متی ۷: ۳)

پس برای اینکه خدا ما را ببخشد، باید اول با اطرافیانمان در دوستی و آشتی باشیم.

چطور می توانیم به برقراری صلح و آشتی کمک کنیم؟

وقتی بجای انتقاد کردن و بد گفتن، سعی می کنیم عادات و اخلاق زیبای یکدیگر را کشف کنیم...  
وقتی دنبال دعوا کردن نیستیم و سعی می کنیم تا از یک بزرگتر برای حل و رفع سوء تفاهم کمک بگیریم...  
وقتی راضی نیستیم کوچکترین بی عدالتی بشود حتی اگر به نفع ما باشد...  
وقتی بجای داد و بیداد کردن، راضی می شویم با شخصی که طرز فکرش با ما فرق می کند، صحبت کنیم و به حرفهای او هم گوش دهیم.  
وقتی با دیگران آنطور رفتار می کنیم که می خواهیم دیگران با ما رفتار کنند.



وقتی واقعاً بد هستیم، عیسی با این کلمات با ما صحبت می کند. بعضی وقتها از دیگران انتظار کارهایی داریم که خودمان حاضر نیستیم انجام دهیم. در زمان عیسی عده ای که فریسی نامیده می شدند از مردم دیگر شدیداً انتقاد می کردند چون مثل خودشان دینداری نمی کردند. عیسی به ایشان می گوید که چه فایده دارد به دعا بنشینید ولی نسبت به دیگران بی توجهی کنید.  
وقتی عیسی عیب کسی را مطرح می کند برای این نیست که او را ناراحت کند. عیسی اینکار را می کند برای اینکه هر کدام از ما با توجه به طرز رفتارشان نسبت به دیگران، بتواند راه بهتر زندگی کردن با اطرافیان را پیدا کند. عیسی آنچه را خواست و گفت، اول خودش انجام داد.  
خیلی آسان است که دیگران را راضی کنیم تا اشتباهاتشان را ببینند حتی بپذیرند. و این کار باید فقط برای کمک کردن باشد. بنابراین باید قبول کنیم که برای کمک به شخص ما هم، دیگران عیب ما را بگویند و ما هم بپذیریم.  
اما قبل از آنکه در انتقاد از دیگران عجله کنیم، بهتر است گاهی از خودمان سؤال کنیم: چطور می توانم ایرادات خودم را روشن تر ببینم؟ عیسی به ما آموخت که هر کس دعا می کند باید فروتنی بیشتری نشان دهد و با محبت بیشتری به اطرافیان نگاه کند زیرا هر یک از ما گناه داریم و نیاز به بخشش خدا داریم.

## جواز بهشت

روزی مردی خواب دید که مرده و پس از گذشتن از پلی به دروازه بهشت رسیده است. دربان بهشت به مرد گفت: برای ورود به بهشت باید صد امتیاز داشته باشید، کارهای خوبی را که در دنیا انجام داده اید، بگویید تا من به شما امتیاز بدهم.

مرد گفت: من با همسرم ازدواج کردم، ۵۰ سال با او به مهربانی رفتار کردم و هرگز به او خیانت نکردم.

فرشته گفت: این سه امتیاز.

مرد اضافه کرد: من در تمام طول عمرم به خداوند اعتقاد داشتم و حتی دیگران را هم به راه راست هدایت می کردم.

فرشته گفت: این هم یک امتیاز.

مرد باز ادامه داد: در شهر نوانخانه ای ساختم و کودکان بی خانمان را آنجا جمع کردم و به آنها کمک کردم.

فرشته گفت: این هم دو امتیاز.

مرد در حالی که گریه می کرد، گفت: با این وضع من هرگز نمی توانم داخل بهشت شوم مگر اینکه خداوند لطفش را شامل حال من کند.

فرشته لبخندی زد و گفت: بله، تنها راه ورود بشر به بهشت موهبت الهی است و اکنون این لطف شامل حال شما شد و اجازه ورود به بهشت برایتان صادر شد!

## از گفته های مادر ترزا

مردم اغلب غیر معقول و غیر منطقی و خود محور هستند. با این همه تو ببخش

اگر مهربانی کنی ممکن است تو را متهم به خودخواهی و خودپرستی کنند. با این همه مهربانی کن

اگر موفق شوی عده ای دوستان دروغین و دشمنان واقعی پیدا می کنی. با این همه موفق شو

اگر صادق و بی پرده باشی ممکن است مردم بتو کلک بزنند. با این همه صادق و بی پرده باش

آنچه را که سالها با زحمت ساخته ای ممکن است یک شبه ویرانش کنند. با این همه تو بساز

اگر آرامش و شادی را پیدا کردی بتو حسادت خواهند ورزید. با این همه شاد باش

مردم اغلب کارهای خوبی را که امروز می کنی فردا فراموش می کنند. با این همه تو خوبی کن

بهترینها را به دنیا می دهی و ممکن است هرگز کافی نباشد. با این همه بهترینها را به دنیا بده

در نهایت آنچه هست، بین تو و خدای توست، نه بین تو و مردم

## اخبار و تقویم کلیسایی

- یکشنبه ۱۵ شهریور ۸۸ = ۶ سپتامبر ۲۰۰۹، یکشنبه اول الیا.

رساله: دوم تسالونیکیان فصل ۱ آیه ۱-۱۲

انجیل: لوقا فصل ۱۸ آیه ۳۵ الی فصل ۱۹ آیه ۱-۱۰

- سه شنبه ۱۷ شهریور ۸۸ = ۸ سپتامبر ۲۰۰۹، عید تولد حضرت مریم.

- یکشنبه ۲۲ شهریور ۸۸ = ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۹، یکشنبه دوم الیا. و عید صلیب مقدس.

رساله: دوم تسالونیکیان فصل ۲ آیه ۱۵ الی فصل ۳ آیه ۱-۱۸

انجیل: متی فصل ۱۳ آیه ۱-۲۳

- یکشنبه ۲۹ شهریور ۸۸ = ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۹، یکشنبه اول صلیب.

رساله: فیلیپیان فصل ۱ آیه ۲۷ الی فصل ۲ آیه ۱-۱۱

انجیل: متی فصل ۴ آیه ۱۲ الی فصل ۵ آیه ۱-۱۶

- یکشنبه ۵ مهر ۸۸ = ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۹، یکشنبه سوم الیا.

رساله: فیلیپیان فصل ۱ آیه ۱۲-۲۵

انجیل: متی فصل ۱۳ آیه ۲۴-۴۳

## نیایش

نمی توانیم گذشته را تغییر دهیم و تنها باید خاطرات آن را به یاد بسپاریم

و لغزشهای گذشته را تجربه راه خود بسازیم

همینطور نمی توانیم آینده را پیش بینی کنیم.

تنها باید امیدوار باشیم و دعا کنیم تا هر آنچه نیکوست برایمان رقم بخورد.

خدای عزیزم به همه ما کمک کن.